

دسیسه چینی در لبنان و فلسطین

در اواخر ماه مه 2007 مجدداً مطبوعات غرب که در مورد مبارزه مردم لبنان و محاصره لبنان سکوت کرده بودند بیکباره از گروه ناشناس مسلحی خبر دادند که بنام فتح الاسلام خود را معرفی کرده است. این گروه گویا یک گروه سنی مذهب و افراطی بوده و گویا شعبه القاعده در لبنان است. این گروه گمنام بیکباره اقدام به دستبرد مسلحانه بیکی از بانکهای لبنان می کند و با پولی که بدست می آورد بیکی از اردوگاههای فلسطینیها پناه می برد. هنوز این گروه موفق به شمارش پولهای ربوده شده نشد است که ارتش لبنان که معلوم نیست این آمادگی قبلی را از کجا داشته و جای دستبرد زندگان را می دانسته سر می رسد، اردوگاه فلسطینیها را محاصره می کند و جنگی مسلحانه با ده ها نفر کشته در می گیرد.

سپس فواد سینیوره نخست وزیر دست نشانده لبنان با سینه های سپر کرده مانند کسی که در جنگ جهانی دوم پیروز شده است با آمادگی قبلی در رسانه های گروهی حاضر می شود و در باره تروریسم و القاعده و... داد سخن می دهد. آمریکائیهها آمادگی خویش را برای اعزام سرباز و کمک به فواد سینیوره اعلام می کنند. صحنه سازی کامل است. اتهام راهزنی و دزدی را به فلسطینیها می چسبانند تا خشم مردم لبنان را علیه آنها برانگیزند و جنایات اسرائیل و آمریکا را توجیه کنند. سایر نیروهای لبنانی با هشیاری از شرکت در این دسیسه خودداری می کنند. فواد سینیوره با امر اربابانش فوراً دولت سوریه را متهم کرد که این گروه را بدخل خاک لبنان ارسال کرده است تا از آنها علیه دولت لبنان استفاده کند.

مطبوعات می نویسند که اساساً معلوم نیست که این گروه که تعداد آنها را 400 نفر تخمین می زنند از کجا سرو کله شان پیدا شده است. بر اساس شهود عینی این افراد به صورت مسلح وارد اردوگاه شده اند.

ولی سیمور هرش مخبر مشهور آمریکائی که در مورد ایران نیز مطالب فراوانی برشته تحریر در آورده و اوضاع منطقه را تحلیل و تفسیر کرده است بر اساس اطلاعاتی که دارد در ماه مارس در نشریه نیویورکر نوشت که خانواده حریری در لبنان سر نخ این گروههای سنی را که بنیادهای سنیان خانواده حریری هستند در دست دارند و پول کلانی در اختیار آنها می گذارند. هدف روشن است این خانواده می خواهد این گروهها را علیه شیعیان و بویژه حزب الله لبنان تحریک کرده و با ایجاد جنگ شیعه و سنی و با ایجاد اوضاع غیر قابل تحمل برای مردم لبنان جان آنها را به لب رسانده، آنها را مستاصل ساخته و با همان سیاست امپریالیستهای آمریکائی معروف به سیاست نگروپنته جوخه های مرگ راه بیاندازد و با آدمکشی که ما شاهدش در عراق هستیم وضعیتی در منطقه خلق کند که حزب الله لبنان را که نماینده اکثریت مردم لبنان است در گیر جنگ شیعه و سنی و مسیحی کرده از مبارزه بخاطر استقلال و تمامیت ارضی لبنان باز دارد و این سیاست خانواده حریری در خدمت امپریالیستها و صهیونیستها است تا امکان نفس کشیدن را برای اسرائیل فراهم آورد و پشت جبهه امپریالیسم و صهیونیسم برای حمله به ایران را تقویت کند.

سیمور هرش می نویسد هر جا که پای گروههای سنی رادیکال به میان می آید دست عربستان سعودی و بنیادهای قدرتمند سنی مذهب مسلمانان در امارات متحده عربی در کار است. وی درست می گوید. آنها با حمایت لژیونیک و مالی به این گروههای مشکوک و خرابکار که در مبارزه نهضت ملی مردم لبنان و عراق و فلسطین اخلال می کنند، در این خرابکاری شرکت فعال داشته و همدستی خویش را با آمریکا در ایجاد سازمانهای مذهبی تروریستی که مجری سیاستهای امپریالیستی هستند نشان می دهند. افرادی که در این مبارزات جان می بازند الزاماً عامل امپریالیست و یا صهیونیست نیستند. اغلب آنها کسانی هستند که قربانی بیعدالتیها و زورگویی امپریالیستها بوده و جانشان به لبشان رسیده است و با عملیات مایوسانه بر این پندارند که با اقدام مفیدی متوسل شده اند. آنها با محدودیت فکری و نزدیک بینی انتقامجویانه قادر نیستند ماهیت سیاستهای کسانی را که سرخ را در دست دارند تشخیص دهند. آنها در عمل بدون آنکه الزاماً به آن آگاه باشند به آلت فعل بدل می شوند و در خدمت سیاستی قرار می گیرند که در توهامات خویش علیه آن در حال پیکارند. خانواده حریری از مقاطعه کاران بزرگ در عربستان سعودی بوده است و از آن طریق نیز به آلاف و الوفی رسیده است. رفیق حریری میلیاردی که در اثر یک دسیسه مشکوک بدیار عدم رفت از نزدیکان خانواده سعودی است پسر بیکاره اش بعد از مرگ پدر یک پایش در بیروت و یک پایش در ریاض است. وی از رهبران سنیان لبنان است.

جنایتی که این حضرات ترتیب داده اند حداقل به جهانیان نشان داد صدها هزار مردم فلسطین که از سرزمین خویش رانده شده اند در چه وضع اسفناکی زندگی می کنند. اسرائیل با بازگشت آنها به سرزمینهای اباة اجدادی آنها مخالفت می کند. این نقض تمام موازین جهانی و اقدامی فاشیستی و ضد بشری است و امپریالیستها بزیر این سند امضاء می گذارند و ریاکارانه از “ارزشهای جاودانی غرب” سخن می رانند.

سیمور هرش می نویسد که این آقای حریری در سال 2005 باید مبلغ 50000 دلار بعنوان ودیعه برای آزادی چهار تروریست سنی که در بند پلیس بودند پرداخت کرده باشد و تروریستهای سنی را از زندان نجات داده باشد. داستان کثیف این عده در تمام ترورهای ارتجاعی و دسیسه گرانه آلوده است. آنها با همه سازمانهای تروریستی و مافیائی کار می کنند و از اختلافات قبیله ای و سنتهای عقب مانده وسیله ای می سازند تا انسانها را به جان همافکنند و حکومت کنند.

لحن پاره ای مطبوعات غرب در مورد این گروه ناشناخته بسیار محتاطانه است. بسیاری بوی دسیسه از این صحنه سازی فواد سینیوره و حریری به مشامشان می خورد و دستتان آمریکا و اسرائیل را در پشت آن می بینند. ایجاد جنگ داخلی در لبنان و محاصره این کشور توسط نیروهای سازمان ملل و استقرار یک فضای مملو از کنترل و سانسور و قتل عام مردم مسلمان لبنان و بویژه شیعیان آن به بهانه مبارزه با “تروریسم” و یا “اسلام سیاسی” بخشی از سیاست امپریالیستها و صهیونیستها در منطقه پس از شکست مفتضحانه اسرائیل در جنگ قهرمانانه مردم لبنان است.

بخش دیگری از این سیاست تروریستی راهبردی در منطقه، سرکوبی نهضت قهرمانانه مردم فلسطین است. دولت اسرائیل با یاری امپریالیستها و بویژه امپریالیست آمریکا تصمیم گرفته اند بهر نحو که شده است دولت قانونی فلسطین را که نماینده قاطع مردم فلسطین است سرنگون کند. ایجاد جنگ داخلی بیاری عمال محمود عباس و بیاری صهیونیستها و امپریالیستها سیاست جدید این دشمنان بشریت در منطقه است. آنها از سازشکاری دولت قانونی مردم فلسطین که مرکب از مسلمانان و مسیحیان است مایوس شده اند و این است که در صدد کودتا بر آمده اند. آنها نه توسط محاصره و نه به وسیله جلوگیری از یارانه ممالک حامی نهضت فلسطین و نه مصادره گمرکات دولت فلسطین و نه لگدمال کردن حقوق قانونی این ملت و... نتوانستند در اراده محکم آنها در مقابله با صهیونیستها خالی وارد کنند.

محمود عباس از جانب صهیونیستها اسلحه و مهمات و اطلاعات و کمکهای مالی سرشار دریافت می کند تا فلسطینیها را به جان فلسطینیها بیافکند و مردم فلسطین را به تسلیم وادارد. وی نقش ستون پنجم را در نهضت فلسطین را بعهده گرفته است و می خواهد جنبش فلسطین را به شکست بکشاند. تحریکات وی نمی تواند مردم فلسطین را که در اکثریت خویش دولت کنونی را انتخاب کرده اند به تغییر عقیده وادارد و برعکس مردم فلسطین به نقش کثیف سلزشکاری و همدستی وی با صهیونیستها واقف می شوند. دولت اسرائیل حتی هواپیماهای خویش را بیاری محمود عباس فرستاده تا وی را به کمک بمباران مواضع دولت قانونی فلسطین برسر حکومت آورند. دولت صهیونیستی و نژاد پرست اسرائیل اعلام کرده است نه تنها خالد مشعل از رهبران جنبش حماس را به قتل می رساند حتی اسماعیل هنیه رهبر دولت فلسطین را نیز به قتل خواهد رسانید. این اعتراف رسمی یک دولت رسمی به آدمکشی و آنهم کشتن رهبر یک کشور دیگر از جانب مطبوعات “دموکرات” غرب بسیار طبیعی جلوه داده می شود. این کار در واقع دعوت به قتل است و در تمام کشورهای جهان عملی جنایتکارانه و قابل تعقیب است. رهبران اروپا و آمریکا که گوش بزنگ اند تا رهبران احمق جمهوری اسلامی ایران کلمات قابل تفسیر و نامناسبی بر زبان آورند تا از آنها دستاویزی علیه کشور ما ایران بسازند در مورد این تهدید تروریستی سکوت اختیار می کنند و آن را ناشنیده می گیرند و اعتراضی به آن نمی نمایند. بتدریج کار طوری می شود که گویا قتل غیر اروپاییها و بویژه مسلمانان خالی از اشکال است. جرم قتل زمانی اتفاق می افتد که یک غربی را هدف قرار داده باشد. آمریکائی ها خودشان قصد داشتند و دارند که فیدل کاسترو رهبر مردم کوبا را ترور کنند و همه دسیسه گران تحت تعقیب در این اقدامات را به آمریکا آورده از چنگ قانون رهانیده و به آنها پناهندگی داده اند. آنها در مورد اسلوبدان میلو سوویچ رهبر مردم یوگسلاوی همین سیاست را در پیش گرفتند و برای سرش جایزه تعیین کردند و سرانجام در زندان لاهه به زندگی وی از آنجا که حاضر نشد به خیانت ملی تن در دهد، خاتمه دادند. ژاک شیراک تهدید کرد که ایران را با بمب اتمی از صحنه جغرافیا حذف خواهد کرد و کسی صدایش در نیامد و وجدانش معذب نشد. حال این جبهه تروریستها که رهبران سایر کشورها را ترور می کنند و در پی حذف اتمی کشورها از نقشه جغرافیا هستند هم اکنون در فلسطین به قتل عام مردم فلسطین و ترور رهبران آنجا مشغولند. آنها تاکنون اعضاء دولت فلسطین و سی نماینده مجلس فلسطین را که مخالف محمود عباس بوده اند دستگیر کرده اند. آنها امیدوارند که شاید محمود عباس با کمک این روش “دموکراتیک” صهیونیستها و امپریالیستها به اکثریت بدل شود. صهیونیستها به آذربائی و گروگان گیری بعنوان یک دولت رسمی مشغولند. آمریکائی ها نیز در اروپا به صید انسانهای مخالف خویش مشغول بودند. این جانان آذربا و قاتل، ضد بشر و فاقد وجدان هستند و نباید هرگز به آنها

اعتماد کرد. آنها بزرگترین تروریستهای جهان هستند که مبارزه آزادیبخش مردم جهان و یا مقاومت آنها را در مقابل تجاوز و بی عدالتی و زورگوئی آنها "تروریسم" جلوه می دهند و عمال مزدور آنها نیز راه می افتند و از جنگ "تروریستها"، از جنگ "دو قطب تروریسم" در جهان سخن می رانند.

کودتای در فلسطین و دسیسه چینی در لبنان بخشی از سیاست "دموکراتیزه" کردن خاورمیانه امپریالیست آمریکاست. آنها هرگز نمی توانند با قدرت گرفتن خلقهای منطقه موافق باشند. آنها بدنبال استقرار رژیمهای دست نشانده و نوکرسفت هستند تا بتوانند به نیات پلید خود جامه عمل بپوشانند. آنها با اعتلاء و رشد جنبش توده ای مردم در این منطقه سر سازشی ندارند. این است که جبهه مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه جبهه گسترده ای از دیوار چین تا دریای مدیترانه است. سرکوبی مبارزه مردم منطقه دست امپریالیستها را در تجاوز به ایران باز می گذارد. این است که مخالفین تجاوز به ایران نمی توانند از حمایت از مبارزه مردم فلسطین و لبنان و از حمایت از مبارزه مردم عراق و افغانستان طفره روند. کسانی که خواهان خروج بی قید و شرط امپریالیستها از عراق و افغانستان نیستند مخالفین قلبی امپریالیست آمریکا هستند. آنها کوچکترین شناختی از ماهیت امپریالیسم ندارند. ادعای مبارزه ضد امپریالیستی آنها فقط برای خالی نبودن عریضه و فریب مردم است. رشد مبارزه ملی و طبقاتی در منطقه دست این دوستان دروغین خلق را برملا می کند.

حزب ما با قاطعیت دسیسه های امپریالیستها و صهیونیستها را در لبنان و فلسطین محکوم می کند و با تمام نیروی خویش از مبارزه عادلانه مردم این سرزمینها بر ضد متجاوزین پشتیبانی می کند.

زنده باد نبرد عادلانه خلقهای لبنان و فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم

حزب کار ایران (توفان)

جمعه هیجده خرداد 1386

www.toufan.org

toufan@toufan.org